

## خطای بزرگ منصور

منیژه صدري

مجله زمانه ، شماره ۲۵

---

قضاوت کنسولي يکي از مهمترين مباحث مربوط به تابعيت در حوزه حقوق بين الملل خصوصي بوده و مایه بروز مجادلات و ماجراهاي تاريخي زيادي در طول تاريخ به ويژه سده هاي اخير گرديده است.

گرچه ممکن است کاپیتولاسيون به معني حق قضاوت کنسولي براي اتباع بيگانه و مجازات مجرمين ساکن در کشورهاي غيرمتبوع براساس حقوق کشور تابعه آنها عادي و ساده تلقي شود، اما اصلاً اينگونه نيست و اين مساله به قدری پراهميت است که استقلال و حتي تماميت ارضي کشوري را مي تواند در معرض خطر قرار دهد. کشوري که توانسته باشد حق قضاوت کنسولي (کاپیتولاسيون) را براي اتباع خویش کسب نماید عملاً حاکميت کشور امتیازدهنده بر اتباع خود و اموال و املاک آنها را از میان برداشته و شخص بيگانه مي تواند کشور مزبور را بخشي از خاک کشور خویش تلقي نماید. حتي ممکن است از اين هم فراتر رود و دولت متبوع آن شخص بيگانه براي دستيابي به اهداف استعماري خود قوانين مربوط به مجازاتهاي خاصي را تا سرحدامکان خفيف و نازل قرار دهد و دست اتباع خود را در هرگونه اقدام ضد فرهنگي و ضدسياسي يا اقتصادي در کشور مقابل بازگذارد. بنا براین اصل مقوله کاپیتولاسيون يك موضوع بسيار مهم در حقوق بين الملل خصوصي و مباحث مربوط به تابعيت است.

حال بايد با دقت فراوان تري موضوع کاپیتولاسيون در ايران را مورد مطالعه و بررسي قرارداد و صرف نظر از سوابق تاريخي آن که به عهد مغول يا عصر صفويه بازگردد، مصداق بارز و اسفبار آن در تاريخ معاصر را مورد سنجش و ارزيابي دقيق قرار داد. تصويب کاپیتولاسيون در زمان نخست وزيری حسنعلي منصور دست کمي از قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله نداشت و عدم مخالفت با آن به منزله سکوت در مقابل سلطه بيگانه بر ايران بود.

لذا عظمت اين رویداد باعث ورود تمام عيار حضرت امام خميني(ره) به عرصه مبارزات سياسي گرديد و گرچه مخالفت با آن موجب تبعيد آن حضرت گشت، در درازمدت ریشه سلطه امريکا را از ايران برکنند و نقطه عطف انقلاب اسلامي شد. مقاله حاضر به اين موضوع بيشتري مي پردازد.

اغلب محققان ریشه تاريخي پيدایش کاپیتولاسيون در ايران را از زمان انعقاد عهدنامه ترکمنچاي مي دانند. برخی نیز برآنند که سابقه تاريخي اعطاي امتياز به بيگانگان، از جمله کاپیتولاسيون، به دوره مغولان بازمي گردد. ii اعزام ميسيونرهاي مختلف از طرف کليساي کاتوليك رم به امپراتوري مغول با اهداف متعددي انجام مي گرفت. ايلخانان مغول براي جلب توجه اروپائيان امتيازاتي به آنها دادند که هرچند با اعطاي حق کاپیتولاسيون پس از عهدنامه ترکمنچاي تفاوت داشت، بايد آن را در زمره اولين امتيازاتي دانست که در ايران به بيگانگان داده شد و زمينه را براي اعطاي امتياز در دوره هاي بعدي مهيا کرد.

اين مقاله بر آن نيست که تمام مسائل مربوط به سابقه تاريخي کاپیتولاسيون يا حق قضاوت کنسولي، را مورد بررسي قرار دهد. بلکه تنها براي ورود به بحث سعي خواهد شد به طور مختصر به معنا و مفهوم کاپیتولاسيون و سابقه تاريخي آن اشاره شود. نقطه تمرکز اين مقاله بر زمان پهلوي دوم، به ويژه دوره نخست وزيری حسنعلي منصور و احياي کاپیتولاسيون در اين برهه مي باشد. علل اصلي اعطاي مصونيت سياسي به امريکائيان در اين تاريخ چه بود؟ خبر

تصویب این لایحه در مجلس سنا و شورای ملی، در بین مردم چه انعکاسی داشت؟ واکنش علما و در راس آن امام خمینی(ره) در قبال تصویب این لایحه چه بود؟ نتایج یا پیامدهای تصویب این لایحه چه بود؟ و سوال اصلی اینکه آیا تصویب این لایحه را می‌توان آغازگر مبارزه علنی برای سرنگونی حکومت پهلوی دانست؟

### تعریف کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون در اصل از واژه ایتالیایی «کاپیتولازیونه» (capitalazione) یا واژه لاتین «کاپیتولاره» (capitulare) گرفته شده است. این واژه به معنای انعقاد عهدنامه، و فصل‌بندی و طبقه‌بندی مطالب و یا نوشته‌ای است که دارای فصول و موارد باشد و چون قراردادهای و قوانینی که از قرون وسطی به این طرف در خصوص مزایا و حقوق اروپائیان در کشورهای اسلامی تنظیم شده، دارای فصول و مواد متعددی بوده است، به این جهت به اسم کاپیتولاسیون معروف شده است. <sup>iii</sup> برخی نویسندگان معتقدند که در زمان انعقاد اولین معاهده بین اعراب و مسیحیان مقیم شامات، زبان نیمی از مردم این منطقه ایتالیایی بوده و این کلمه به معنای معاهده بین مسیحیان و غیرمسیحیان، از آن زمان به جا مانده است. برخی از اروپاییان حتی آن را ترجمه کلمه عربی «صلح موقت» دانسته‌اند. <sup>iv</sup>

کاپیتولاسیون در روابط بین‌الملل عبارت است از معاهداتی که به موجب آن کشوری خارجی در مملکتی دیگر برای اتباع خود از بعضی حقوق و امتیازات که اهم آن حق قضاوت کنسولی و اجرای مجازات است برخوردار می‌شود؛ به طوری که اتباع آن از پاره‌ای مزایای اختصاصی بهره‌مند می‌شوند. این امر، در ظاهر مقرر داشتن یک حق برای بیگانگان است، اما در باطن نوعی استعمار می‌باشد. به حق قضاوت کنسولی یک دولت در کشور دیگر، حق برون‌مرزی یا حق قضاوت کنسولی گفته می‌شود؛ چون طبق این حق، قوانین دولت خارجی، توسط کنسول خود آن کشور، در محل اجرا می‌شود. <sup>v</sup>

### عهدنامه ترکمنچای

در دهه‌های اول قرن نوزده، ایران دو بار با روسیه تزاری جنگ کرد و هر دو بار نیز شکست خورد. پس از شکست دوم بود که عهدنامه ترکمنچای میان ایران و روسیه به امضا رسید. در فصول هفتم و هشتم معاهده تجاری ترکمنچای، امتیازاتی حاکی از برقراری رژیم کاپیتولاسیون به روسیه داده شد. <sup>vi</sup> هرچند پیش از آن نیز میان ایران و کشورهای دیگر معاهداتی نظیر آن بسته شده بود، اما در تاریخ دیپلماسی جدید این عهدنامه از نظر سیاست خارجی حائز اهمیت است؛ و در تاریخ معاصر نقطه آغاز یک سلسله تجاوزات سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه قضایی روسیه در ایران محسوب می‌شود. گذشته از آن، این معاهده مبنا و سرمنشقی برای دول خارجی دیگر شد و می‌توان این معاهده را سرآغاز انحطاط سیاسی ایران در سیاست جهانی شمرد؛ چون از این زمان به بعد بود که دخالت کشورهای استعماری در ایران بیشتر شد و کشورهای دیگری هم که با ایران قرارداد می‌بستند، امتیازات مشابهی را طلب کردند؛ مضاف بر آن، در این‌گونه معاهدات اصل کامله الوداد هم برای طرفین ذکر شده بود. ماده کامله الوداد عبارت است از اصلی که با قید آن در قراردادها، «کاملترین و سودمندترین شروط و امتیازاتی که متعاهدین در گذشته یا در آینده به کشور دیگری بدهند که در عهدنامه بین آنها پیش‌بینی نشده باشد، خودبخود شامل حال متعاهد دیگر نیز خواهد شد.» <sup>vii</sup> عاقبت چنان شد که کشورهای انگلستان، فرانسه، اسپانیا، امریکا، بلژیک، هلند، دانمارک، مکزیک، آرژانتین، اتریش، یونان، ایتالیا، آلمان و سوئیس نیز که با ایران عهدنامه‌های مودت و تجارت بستند، از رژیم کاپیتولاسیون در ایران بهره‌مند شدند.

در تمام مدتی که رژیم کاپیتولاسیون بر کشور تحمیل شده بود، دولت تمام سعی خود را برای اجرای آن به کار می‌بست و بعضاً از سوی مردم و برخی شخصیتها مقاومتها و واکنشهایی نیز در برابر این‌گونه امتیازات صورت می‌گرفت؛ چنانکه قتل گریبایدوف، سفیر روسیه در ایران، viii در این راستا بود و یا عده‌ای به نشانه اعتراض، از رعایت آن امتناع می‌کردند و امیرکبیر در موارد متعدد به ناچار افراد خاطی را تنبیه می‌کرد. ix البته امیرکبیر چون از تبعات رژیم کاپیتولاسیون آگاه بود، تمام تلاش خود را برای جلوگیری از آن به کار بست، اما موفق نشد.

با شروع نهضت مشروطیت، واکنش مردم ایران علیه رژیم کاپیتولاسیون شدیدتر و آگاهانه‌تر شد. رهبران مشروطه در پی الغای کاپیتولاسیون برآمدند. بیشتر دولتهایی که بر سر کار می‌آمدند از جمله دولت سپهدار تنکابنی، صمصام‌السلطنه، وثوق‌الدوله x و سید ضیاء xi درصد برآمدند بساط رژیم کاپیتولاسیون در ایران را برچینند، اما فقدان ضوابط مشخص قضایی و تشکیلات منظم عدلیه، وجود معاهدات دارای حق کاپیتولاسیون، نامساعد بودن اوضاع بین‌المللی و مخالفت دول اروپایی از مهمترین موانعی بود که بعد از پیروزی مشروطیت نیز همچنان به دولتها اجازه الغای کاپیتولاسیون را نمی‌داد.

اما انقلاب بلشویکی سال ۱۹۱۷. م روسیه از این جهت نیز در تاریخ ایران نقطه عطفی محسوب می‌شود. حکومت انقلابی شوروی، پس از پیروزی، تمام امتیازاتی را که دولت تزاری روسیه در ایران کسب کرده بود به صورت یک‌طرفه لغو کرد؛ از جمله این موارد، کاپیتولاسیون بود. xii با امضای قرارداد ۱۹۲۱ میان ایران و شوروی و الغای کلی کاپیتولاسیون، اساساً تمام معاهدات دول دیگر نیز که براساس همان عهدنامه ترکمنچای در ایران از این امتیاز برخوردار شده بودند، ملغی شد.

در کنفرانس صلح پاریس (در سال ۱۹۱۹) نیز هیات اعزامی ایران، ضمن پاره‌ای درخواستهای دیگر، از وجود کاپیتولاسیون در ایران شکایت کرد و لغو آن را تقاضا نمود. اما این تقاضا نیز همچون دیگر درخواستهای ایران، از سوی کنفرانس نادیده گرفته شد. xiii

با روی کار آمدن رضاخان، تغییرات اساسی در قوانین قضایی ایران با الگوگرفتن از قوانین قضایی غرب به عمل آمد و با به وجود آمدن قوانین رسمی مدون در ایران و شکل‌گیری یک سازمان قضایی با الگوبرداری از قوانین جدید دنیا، زمینه لازم جهت الغای کاپیتولاسیون در ایران فراهم شد و کمیسیون جهت بررسی معاهدات و راههای تجدیدنظر در آنها، در سال ۱۳۰۵ در وزارت امور خارجه با شرکت معاون وزارت عدلیه تشکیل و خواستار تشکیل زمینه‌های لازم جهت لغو این معاهدات شد. در نهایت، در سال ۱۳۰۶ رضاخان طی فرمانی خطاب به مستوفی‌الممالک، رئیس‌الوزرای وقت، خواستار فراهم‌شدن موجبات عملی الغای کاپیتولاسیون از طرف دولت شد. کفیل وزارت امور خارجه طی نامه‌ای به سفارتخانه‌های خارجی، الغای کاپیتولاسیون را به اطلاع آنها رساند و به آنها یک سال مهلت داد تا برای انعقاد قراردادهای جدید در امور کنسولی و بازرگانی اقدام کنند. xiv

#### احیای مجدد کاپیتولاسیون

پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ امریکائیان به جای انگلیسیها قدرت ذی‌نفوذی را در صحنه سیاسی ایران به دست آوردند. سفارت امریکا، از زمان نخست‌وزیری اسدالله علم، ادامه حضور نظامیان خود را که به عنوان مستشار در ایران خدمت می‌کردند به معافیت از شمول قوانین قضایی ایران مشروط کرده بود. عدم رسیدگی دادگاههای ایران به جرایم مستشاران امریکائی و خانواده‌هایشان به معنای احیای کاپیتولاسیون یا همان حق قضاوت خارجیان در یک کشور دیگر بود. xv این لایحه در واپسین روزهای صدارت علم تنظیم، و به مجلس سنا تسلیم شد. مجلس سنا با همه اصرار

سفارت امریکا در تصویب سریع آن، لایحه مزبور را به کمیسیون خارجه ارجاع داد. این لایحه پس از چند ماه رسیدگی به تصویب کمیسیون خارجه مجلس سنا رسید و در سوم مرداد ۱۳۴۳ گزارش کمیسیون خارجه در جلسه فوق العاده مجلس سنا به اتفاق آراء تصویب شد. وظیفه دفاع از این لایحه و شرکت در اجلاس مجلس سنا و پاسخگویی به پرسش‌های نمایندگان در این خصوص، به عهده دولت منصور بود. در جلسه مجلس سنا که به ریاست جعفر شریف‌امامی تشکیل شد، احمد میرفندرسکی - معاون وزیر امور خارجه - به نمایندگی از دولت حسنعلی منصور جهت تصویب این لایحه حضور داشت. متن تصویب‌شده لایحه به مجلس شورای ملی تقدیم شد. مجلس شورا به فوریت آن رای داد و لایحه را به کمیسیون خارجه ارجاع نمود. اما حسنعلی منصور تصویب سریع لایحه مصونیت مستشاران نظامی امریکا را از مجلس شورا خواستار شد. سرنوشت لایحه در مجلس شورای ملی اندکی متفاوت بود. آن‌طور که از گزارش محرمانه مقامات نظامی امریکا برمی‌آید، شاه نگران بود که مردم علیه تصویب لایحه شورش کنند و لذا - در اقدامی نمایشی - اجازه داد که بعضی از نمایندگان با لایحه مخالفت کنند و همین مخالفت‌ها بود که به تدریج از کنترل خارج شد. سواي آنچه در این گزارش آمده، نقش شاه در ترغیب نمایندگان به مخالفت، از اینجا پیدا است که بی‌پروا ترین منتقدان لایحه بعدها به مقامهای دولتی مهمی گماشته شدند. XVI در گزارش ساواک آمده است: «جهانگیر سرتیپ‌پور که حالیه به عنوان لیدر فراکسیون اقلیت در مجلس معرفی شده، با حسنعلی منصور لیدر فراکسیون اکثریت رابطه خصوصی و تبانی دارد و به دستورات منصور عمل می‌کند.» XVII و طبق همان گزارش، انتشار این خبر انعکاس نامطلوبی داشته است. وجود این گزارش در میان اسناد به دست آمده، و همچنین مخالفت بعدی جهانگیر سرتیپ‌پور با طرح پیشنهادی منصور در مجلس شورای ملی، شکی باقی نمی‌گذارد که مخالفت نمایندگان به هنگام تصویب لایحه ساختگی بوده و این امر صحت گزارش امریکائیان را تایید می‌کند.

علاوه بر برخی اعضای حزب ایران نوین که به لایحه رای منفی دادند، بسیاری از مخالفان لایحه از نزدیکان علم بودند. منصور در زمان دفاع از لایحه، در خصوص معنای آن بارها عمداً دروغ می‌گفت. او تاکید می‌کرد که وابستگان و مستشاران غیرفنی شامل این مصونیت نمی‌شوند و مهم‌تر آنکه، این مصونیت صرفاً ناظر بر اقداماتی است که در طول ساعات اداری انجام پذیرد. XVIII دروغهای مصلحتی منصور حتی سفارت امریکا را نیز نگران می‌کرد.

لایحه مصونیت سیاسی امریکائیان، در ۲۱ مهر ۱۳۴۳، طی جلسه علنی مجلس شورا که ریاست آن را دکتر حسین خطیبی نایب رئیس مجلس برعهده داشت و با حضور نخست‌وزیر و اعضای هیات دولت به تصویب رسید. در این جلسه ابتدا منصور طی سخنان مبسوطی درباره لزوم اصلاحات اقتصادی و اداری صحبت کرد و سپس گزارش کار هشت‌ماهه هیات دولت را به مجلس داد و پس از آن، به درخواست منصور، گزارش کمیسیون خارجه دربارۀ مصونیت مستشاران نظامی امریکا وین مطرح گردید و به تصویب رسید. پس از آن، گزارش کمیسیون خارجه دربارۀ مصونیت مستشاران نظامی امریکا مطرح شد. XIX پس از طرح گزارش، بحث‌های موافق و مخالف آغاز گردید و بهبودی، هلاکو رامبد، جهانگیر سرتیپ‌پور، غلامحسین فخرطباطبایی، رحیم زهتاب‌فرد، صادق احمدی و کلیایی به عنوان مخالف به تفصیل سخنرانی کردند و این لایحه را مغایر با قانون اساسی و خلاف استقلال سیاسی ایران دانستند. محسن خواجه‌نوری قراچورلو و چند نماینده دیگر نیز از لایحه مصونیت دفاع کرده، آن را مغایر قانون اساسی ندانستند. XX در پایان، خود نخست‌وزیر به اظهارات هریک از مخالفان پاسخ داد و سپس میرفندرسکی، نیز در پاسخ به اعتراض نمایندگان مخالف، توضیحاتی را ارائه داد. XXI سرانجام لایحه مصونیت مستشاران نظامی امریکا با ۷۴ رای موافق در برابر ۶۱ رای مخالف به تصویب رسید. لازم به توضیح است که عبدالله ریاضی - رئیس وقت مجلس - قبل از طرح موضوع در مجلس، به بهانه معالجه به امریکا سفر کرد. علاوه بر او، ۵۲ نفر از ۱۸۸ نماینده مجلس نیز غیبت غیرموجه داشتند. XXII سرنوشت منصور با لایحه

کاپیتولاسیون گره خورده بود. منصور بقای خود را در گرو تصویب این لایحه می‌دید. البته نه میلیون دلاری که بابت تصویب آن از امریکائیان گرفته بود<sup>xxiii</sup> نیز در تلاش او بی‌تاثیر نبود و دروغ‌هایی او را در مقابل خبرنگاران و مجلس شورای ملی توجیه می‌کرد. اما منصور جان خود را نیز بر سر تصویب آن گذاشت.

علاوه بر مخالفت برخی نمایندگان مجلس شورای ملی، انتشار خبر تصویب لایحه مصونیت که نقض آشکار حاکمیت و استقلال قوه قضاییه ایران بود، مهمتر از هر چیز، غرور ملی مردم ایران را جریحه‌دار کرد آنان احساس می‌کردند دیگر، خلوت و حیثیتشان به دست امریکائیان افتاده است. این امر، بیش از همه، واکنش جامعه مذهبی ایران و در راس آن آیت‌الله روح‌الله خمینی را برانگیخت. آیت‌الله خمینی طی سخنرانی شدیدالحن تاریخی خود، آشکارا و بی‌پروا با این طرح مخالفت کرد. ایشان طی بیانات صریح و کوبنده‌ای اظهار کردند: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. ان‌الله و انا الیه راجعون. من تاثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. . . عید ایران را عزا کرده‌اند. عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دسته‌جمعی رقصیدند. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند. . . عزت ما پایکوب شد. . . قانونی در مجلس بردند. در آن قانون اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین که تمام مستشاران نظامی امریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندان فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان با هرکس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی بکنند مصون هستند. اگر یک خادم امریکائی، اگر یک آشپز امریکائی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق محاکمه ندارد. . . ملت ایران را از سگ‌های امریکا پست‌تر کردند. . . برای اینکه می‌خواستند وام بگیرند. . . این مجلس است که هیچ ارتباطی به ملت ندارد. . . ملت ایران به اینها رای ندادند. علمای طراز اول، مراجع، بسیاریشان تحریم کردند. . . آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران من اعلام خطر می‌کنم! . . . والله گناهکار است کسی که داد نزند، والله مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند. ای سربازان اسلام به داد اسلام برسید، ای علمای نجف به داد اسلام برسید. . . خدایا اینها خیانت کردند به مملکت ما خیانت کردند به اسلام، به قرآن خیانت کردند. . . اینها خائنند به مملکت ایران. . .»<sup>xxiv</sup>

امام خمینی علاوه بر ایراد این سخنرانی شدیدالحن، در همان روز علیه احیای کاپیتولاسیون اقدام به صدور اعلامیه کردند. در بخشی از این اعلامیه آمده است: «آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌داند بدون اطلاع ملت و به‌طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟. . . سند وحشی‌بودن ملت مسلمان را به امریکا داد. قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما. . . حیثیت دادگاه‌های ایران را پایمال کرد؟ امروز که دولت‌های مستعمره یکی پس از دیگری با شهادت و شجاعت خود را از تحت فشار استعمار خارج می‌کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می‌کنند، مجلس مترقی ایران با ادعای سابقه تمدن. . . به ننگین‌ترین تصویب‌نامه غلط دولت‌های بی‌حیثیت رای می‌دهد. . .»<sup>xxv</sup> علاوه بر آیت‌الله خمینی، دولت انگلستان هم از جمله مخالفان قرارداد مزبور بود. قطعاً هدف انگلیس کسب چنین امتیازی برای اتباع خود بود. همچنین از سوی طبقات مختلف، به ویژه دانشجویان و مراجع مذهبی، اعلامیه‌هایی در اعتراض به تصویب آن منتشر شد.<sup>xxvi</sup>

صدور اعلامیه فوق از سوی آیت‌الله خمینی، به تبعید معظم‌له به ترکیه منجر شد و در پی فشار سایر مراجع برجسته، ایشان به نجف اشرف انتقال داده شدند. سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) برای توجیه تبعید آیت‌الله خمینی در اقدامی که تا آن روز از سوی این سازمان بی‌سابقه بود، اطلاعیه‌ای صادر کرد: «طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی، چون رویه آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد. لذا در تاریخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید.»<sup>xxvii</sup> شاه نیز طی سخنرانی در کاخ مرمر

خطاب به نمایندگان مجلس شورا، مسایل تندي را بر زبان راند و نشان داد که دموکراسي مورد ادعای او و امریکا فرمایشي است؛ چنانکه نمایندگان مخالف لایحه در مجلس شورایی ملی، مجبور شدند طی نطق‌هایی تمام مخالفت‌های خود را پس گرفته، در تمجید از تصویب لایحه دم بزنند. xxviii سرانجام، با تبعید امام خمینی از ایران، محاکمه و محکومیت سران نهضت آزادی چون آیت‌الله طالقانی و . . . ، سرکوب مخالفان سیاسی و مذهبی و ایجاد محیط ترور و وحشت، ظاهراً آرامش و امنیت مورد نظر برای اجرای برنامه‌های تازه شاه فراهم شد.

#### ترور منصور

تصویب لایحه مصونیت سیاسی مستشاران امریکائی با حمایت حسنعلی منصور، هرچند در ایجاد استحکام در روابط ایران و امریکا سهم مهمی داشت، اما عواقب این روابط برای نظام حاکم و برای شخص شاه خوشایند نبود. در پی تصویب این لایحه، مهمترین و شدیدترین اعتراضات از سوی امام خمینی(ره) علیه مجلس، دولت و شخص شاه صورت گرفت. رژیم به ناچار ایشان را تبعید کرد. تبعید امام که با سختگیری‌ها و شدیدترشدن تدریجی کنترل از سوی دستگاه شاه همراه بود، باعث شد «تا میانه‌روها انتقادات خود را علنی سازند، و تندروها دست به کار مخالفت‌های پنهانی و فعالیت‌های زیرزمینی شوند.» xxix یکی از گروه‌هایی که مبارزه مسلحانه در پیش گرفت، هیات‌های موتلفه اسلامی بود که بر حرکت خود «مبارزه مثبت» xxx نام نهاد. «شاخه نظامی جمعیت‌های موتلفه توسط شهید عراقی و شهید حاج صادق امانی شکل گرفت و نیروهای عملیاتی تحت نظر آنان به آموزش مشغول شدند.» xxxi از سوی دیگر، این هیات از بعضی از مراجع برای ترور برخی شخصیتها حکم شرعی گرفت. xxxii آنان حسنعلی منصور را اولین مسئول اوضاع پیش‌آمده، نماد انقلاب سفید، و مفسد فی‌الارض می‌دانستند و عاقبت، حاج صادق امانی، رضا صفار هرندي و مرتضی نیک‌نژاد به همراه محمد بخارایی برای اعدام انقلابی منصور مامور شدند. اولین گزارش ماموران ساواک پس از حادثه ترور، چنین بود: «مقارن ساعت ۱۰ صبح روز اول بهمن ۱۳۴۳ پس‌ریچه‌ای که هویتش روشن نیست مقابل مجلس شورای ملی نسبت به آقای منصور نخست‌وزیر سوءقصد کرد، که بلافاصله دستگیر شد و ضارب که ظاهراً لال به نظر می‌رسد تاکنون در این مورد اظهاری نکرده است.» xxxiii

#### حاصل سخن

حسنعلی منصور با اطمینان از ثبات سیاسی داخل کشور، تمام تلاش خود را برای تصویب کاپیتولاسیون یا لایحه مصونیت سیاسی مستشاران امریکائی در ایران به کار برد و در این راه از هیچ اقدامی کوتاهی نکرد، عملی که اعتراض گسترده محافل و گروه‌های مختلف را در پی داشت و در نهایت موجب گسست وی از روحانیت و تبعید آیت‌الله خمینی شد.

وقتی يك نظام سیاسی و نهادهای آن چنان منزوی، غیرمشروع، بی‌ثبات و ناکارا شود که برای حفظ نظم به استفاده از زور و تهدید و ابزارهایی از این‌گونه متوسل گردد، شرایط بسیار مخاطره‌آمیز خواهد بود؛ چون در چنین وضعیتی، به کاربردن خشونت و به ویژه ترور از سوی افراد، احزاب و گروهها موجه جلوه خواهد کرد؛ چنانکه تلاش افرادی چون محمد بخارایی، هیات‌های موتلفه اسلامی و . . . در این راستا بود. استفاده از اسلحه و ترور از سوی مخالفان، رابطه مستقیم با خشونت قانونی دارد. ترور منصور، آنی‌ترین پیامد تصویب کاپیتولاسیون بود.

با احیای مجدد کاپیتولاسیون، استقلال و آزادی ایران خدشه‌دار شد و همین امر، از مهمترین عواملی بود که باعث شکل‌گیری دسته‌بندی‌های سیاسی علیه حکومت شد و در نهایت نیز به انقلاب اسلامی منجر شد.

## پي نوشت ها

- i- شيخ الاسلامي، ۱۳۶۹، ص ۸.
- ii- چلونگر، ۱۳۸۲، ص ۳۴.
- iii- دهخدا، ۱۳۵۵، ج ۳۷، ص ۳۴ و همچنين معين، ۱۳۶۰، ج ۳، صص ۲۷۸۲ - ۲۷۸۱.
- iv- علي بابايي، ۱۳۶۹، ج ۱، ۵۹۵.
- v- خدايار، ۱۳۹۷، صص ۱۷۰ - ۱۷۱ و همچنين، چلونگر، ۱۰.
- vi- نواني، ۱۳۶۹، صص ۲۷۰ - ۲۷۲ معزي، ۱۳۶۶، صص ۵۷ - ۴۱.
- vii- چلونگر، ۹۲.
- viii- نغيبي، ۱۳۶۴، ج دوم، صص ۹۵ - ۱۹۳.
- ix- آدميت، ۱۳۶۱، صص ۵۴۲ - ۵۴۳ و همچنين هاشمي رفسنجاني، ۱۳۶۳، ص ۲۳۱.
- x- بهار، ۱۳۷۱، ج الو، ۱۲۳.
- xi- فلور، ۱۳۶۶، ص ۱۷۳.
- xii- شمير، ۱۳۷۴، صص ۵۶۷ - ۵۷۱.
- xiii- شمير، صص ۴۸۹ - ۴۹۰.
- xiv- شريف، ۱۳۵۴، صص ۶۷ - ۷۴.
- xv- در قرارداد بين المللي ۱۹۶۱ وين كه نمايندگان سياسي ۴۸ كشور آن را امضاء کرده بودند، هيأت هاي سياسي در كشور پذيرنده از مصونيت تعقيب جزايي و برخي دعاوي مدني و اداري برخوردار مي شدند. دكتر متين دفتري به نمايندگي دولت ايران اين قرارداد را امضاء کرده بود.
- xvi- ميلاني، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹.
- xvii- آرشيو مركز اسناد انقلاب اسلامي، كد پرونده ۲۲۵۰ / ش س ۱۴۲.
- xviii- ميلاني، ص ۲۰۰.
- xix- صورت مذاكرات مجلس شوراي ملي در تاريخ ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ و همچنين رجبى، ۱۳۷۷، ص ۴۵۳ به بعد.
- xx- رجبى، ص ۲۵۳.

xxi همان و همچنين فانعي، ۱۳۷۷، صص ۲۱۴ - ۲۳۰.

xxii اسداللهي، ۱۳۷۳، ص ۶۴.

xxiii آرشيرو مركز اسناد انقلاب اسلامي، كد پرونده ۲۲۵، ش س ۹۳.

xxiv سفري، ۱۳۷۳، ج ۲، صص ۷۱۸ - ۷۲۳.

xxv صحيفة نور، ۱۳۶۱، ج ۱، صص ۱۰۹ - ۱۱۳.

xxvi نجاتي، ۱۳۷۱، ص ۲۰۴.

xxvii روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۳، ص ۱.

xxviii اسناد لانه جاسوسي امريكا، ۱۳۷۰، ج ۷۲، ص ۲۳.

xxix بيل، ۱۳۷۱، ص ۲۲۴.

xxx بادامچيان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰.

xxxi ياران امام به روايت اسناد ساواك، ۱۳۷۸، ص ۲۷.

xxxii بادامچيان، ۳۴.

xxxiii آرشيرو مركز اسناد انقلاب اسلامي، پيشين، ش س ۷۴.